

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم اجتماعی

گروه حقوق

**جلسه دفاع از پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در**

**رشته حقوق خصوصی**

**موضوع: بررسی تطبیقی ایفای تعهدات پولی در حقوق ایران**

**و انگلیس**

**نگارنده: ام البنین کریمی جابری**

**استاد راهنما: دکتر سید الهام الدین شریفی آل هاشم**

**استاد مشاور: دکتر مهرزاد ابدالی**

**بهار ۱۳۹۰**

تقدیم به روح بلند تنها دایی ام که خاطرش لحظه ای از ذهنم بیرون نمی رود.  
به پدر و مادرم که زندگیشان در انتظار دیدن فرزندانشان خلاصه می شود.  
به همسرم که زیستن با او معنا می یابد.

با تشکر و قدرانی از استادان عزیزم: استاد سروی مقدم، استاد البرزی، استاد عینی، استاد خضری، استاد ساعی، استاد بابایی، استاد ابدالی، استاد شریفی که در طول هفت سال تحصیلم در این دانشگاه از آنان نه درس حقوق که درس زندگی آموختم و از خداوند برایشان آرزوی سلامتی و سعادت‌مندی می‌کنم.



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)  
معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

### فرم تأییدیهی هیأت داوران جلسهی دفاع از پایان نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجوی ام البنین کریمی جابری رشته حقوق گرایش حقوق خصوصی تحت عنوان بررسی تطبیقی ایفاء تعهدات پولی در حقوق ایران و انگلیس در تاریخ ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۲۶ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره و درجه مورد تایید هیئت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبهی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر سید الهام الدین شریفی آل هاشم	استادیار	دانشگاه بین المللی امامی خمینی	
۲	استاد مشاور	دکتر مهرزاد ابدالی	دانشیار	دانشگاه بین المللی امامی خمینی	
۳	داور خارج	دکتر علیرضا رجب زاده	استادیار	دانشگاه کار	
۴	داور داخل	دکتر سید محمد هادی ساعی	استادیار	دانشگاه بین المللی امامی خمینی	
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر علیرضا شیخی	استادیار	دانشگاه بین المللی امامی خمینی	



## چکیده

پول از مقوله‌های تأثیر گذار در حوزه اقتصاد و سیستم معیشتی مردم است و دگرگونی‌های سریع اقتصاد و ماهیت اعتباری پول باعث شده تا ارزش پول، پیوسته سیر نزولی داشته باشد و این روند با ورود پول کاغذی شدت بیشتری یافته است. امروزه با توجه به روند نزولی، ارزش پول در حال کاهش است و در قراردادهای بلند مدت ارزش پول به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد، طلبکارانی که طلب آن‌ها پرداخت نمی‌شود یا به موقع پرداخت نمی‌شود، با نگرانی‌هایی مواجه‌اند و تأخیر در پرداخت، قدرت خرید آن‌ها کاهش می‌دهد. بنابراین، ایفای تعهدات پولی در همه جوامع دارای اهمیت فراوانی است؛ چرا که روزانه تعهدات پولی فراوانی بین افراد منعقد می‌شود. در این مورد سؤالاتی مطرح می‌شود از جمله: ماهیت پول چیست؟ طرفین یک تعهد پولی چه کسانی هستند؟ ایفای تعهد پولی به چه شیوه‌ای صورت می‌گیرد؟ در نهایت، آیا متعهد یک تعهد پولی، پرداخت معادل قدرت خرید زمان ثبوت تعهد را بر عهده گرفته است یا پرداخت مساوی با ارقام اسمی و ظاهری دین؟

در این پایان‌نامه تلاش شده است که وضعیت ایفای تعهدات پولی در حقوق انگلیس و ایران روشن شود و به سؤالات بالا پاسخ داده شود. پایان‌نامه حاضر در سه فصل تدوین شده است که در فصل اول پایان‌نامه به کلیات و ماهیت پول اختصاص یافته، فصل دوم به شیوه‌ها و طرفین ایفای تعهد پولی و در فصل سوم، مباحث مربوط به کاهش ارزش پول «خسارت تورم»، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت عدم‌النفع مطرح شده است. در حقوق ایران توجه به مواد مختلف قانون مدنی، اصطلاح «پرداخت» برای ایفای تعهد پولی به کار برده شده است. در صورت عدم ایفای تعهد، متعهد باید خسارت تورم را جبران کند؛ اما خسارت عدم‌النفع قابل مطالبه نیست. در حقوق انگلیس از اصطلاح «Performance of payment of obligation» استفاده شده است و عدم ایفای تعهد شامل عدم ایفای تعهد و تأخیر در ایفای تعهد است. شیوه‌های ایفای تعهد پولی در حقوق ایران و انگلیس به صورت پرداخت نقدی، پرداخت بوسیله اسناد تجاری، پرداخت بوسیله حواله و پرداخت از طریق کارت اعتباری است. طرفین ایفای تعهدات پولی عبارتند از پرداخت‌کننده و طرف پرداخت یا وکیل یا قائم مقام وی هستند. در حقوق مدنی ایران، ایفای تعهد پولی از جانب ثالث، باید به اذن متعهد باشد و در صورتی که اذن نداشته باشد، ثالث حق رجوع به متعهد ندارد، وضعیت اخیر در حقوق تجارت ایران متفاوت است. در حقوق انگلیس پرداخت ثالث یا با رضایت بدهکار صورت می‌گیرد که ثالث در این وضعیت، وکیل تلقی می‌شود یا پرداخت ثالث بدون رضایت بدهکار که در اینجا، هیچ نیابتی با هر ماهیتی محقق نشده است؛ اما به هر حال قانونگذار، منفعت بردن بدهکار را به رسمیت شناخته است. در این وضعیت، تنها اقامه‌ای دعوایی که ثالث دارد، اقامه دعوی بازپرداخت است.

کلید واژه‌ها: ایفای تعهد پولی، خسارت تأخیر تأدیه، عدم‌النفع.

الف. مقدمه.....	۱
ب. طرح سؤال‌های اصلی تحقیق.....	۲
پ. فرضیه‌های اصلی تحقیق.....	۲

### فصل اول: تحلیل واژه‌ها و مفاهیم و ماهیت پول

۱-۱ تحلیل واژه‌ها و مفاهیم.....	۴
۱-۱-۱ ایفاء.....	۴
۲-۱-۱ تعهد.....	۴
۳-۱-۱ دین.....	۷
۱-۴-۱-۱ پول در اقتصاد.....	۸
۱-۴-۱-۲ پول در متون فقهی و حقوقی.....	۹
۵-۱-۱ ایفای تعهد پولی.....	۱۰
۱-۶-۱-۱ مال در منظر فقها.....	۱۲
۲-۶-۱-۱ مال از نگاه حقوقدانان.....	۱۴
۱-۷-۱-۱ مال مثلی و قیمی از دیدگاه فقها.....	۱۴
۲-۷-۱-۱ مال مثلی یا قیمی از نظر حقوقدانان.....	۱۵
۱-۲-۷-۱-۱ ضابطه تشخیص مال مثلی از مال قیمی.....	۱۶
۲-۲-۷-۱-۱ تحول معنای مثلی و قیمی.....	۱۷
۲-۱ ماهیت پول.....	۱۸
۱-۲-۲-۱ مال بودن پول.....	۱۸
۲-۲-۲-۱ تطبیق تعریف مال بر پول‌های اعتباری کنونی.....	۱۸
۱-۲-۲-۲-۱ معیار تمیز پول در فقه.....	۲۰
۲-۲-۲-۲-۱ معیار تمیز پول در حقوق.....	۲۰
۳-۲-۱ ضرورت توجه به مثلی یا قیمی بودن پول.....	۲۱



- ۲۱-۳-۲-۱ مثلی یا قیمی بودن پول.....
- ۲۲-۳-۲-۱ قیمی بودن پول.....
- ۲۲-۳-۲-۱ اختصاص تقسیم مثلی و قیمی به اموال حقیقی.....
- ۲۴-۳-۲-۱ مثلی بودن پول.....
- ۲۵-۳-۲-۱ ۴-۱-۳-۲-۱ قائلین به تفصیل.....
- ۲۹-۲-۱ ۴-۲-۱ اعتباری یا حقیقی بودن پول امروزی.....
- ۳۱-۲-۱ ۱-۴-۲-۱ مرجع کسب اعتبار پول.....
- ۳۱-۲-۱ ۱-۴-۲-۱ استناد اعتبار پول به حکومت.....
- ۳۲-۲-۱ ۲-۱-۴-۲-۱ استناد اعتبار پول به عرف.....
- ۳۳-۲-۱ ۳-۱-۴-۲-۱ تلفیقی بودن ملاک اعتبار.....

### فصل دوم: شیوه‌ها و طرفین ایفای تعهد پولی

- ۳۶-۲-۱ شیوه‌های ایفای تعهدات پولی.....
- ۳۷-۲-۱-۱ پرداخت به حساب بانکی.....
- ۳۹-۲-۱-۲ پرداخت از طریق اسناد تجاری.....
- ۴۰-۲-۱-۳ پرداخت دین بوسیله حواله.....
- ۴۱-۲-۱-۴ پرداخت از طریق کارت‌های اعتباری.....
- ۴۱-۲-۲ ایفای تعهد جزئی.....
- ۴۳-۲-۳ پرداخت کننده.....
- ۴۶-۲-۳-۱ پرداخت با قائم مقامی.....
- ۴۹-۲-۳-۲ قائم مقامی به رضای بستاتکار.....
- ۵۰-۲-۳-۳ ایفای دین از جانب ثالث.....
- ۵۳-۲-۴ طرف پرداخت.....
- ۵۴-۲-۴-۱ پرداخت به داین یا نماینده قراردادی.....
- ۵۶-۲-۴-۲ پرداخت به ثالث.....
- ۵۷-۲-۴-۳ پرداخت به حاکم یا قائم مقام وی.....

## فصل سوم: ضمانت اجرای تأخیر در ایفای تعهدات پولی

- ۳-۱-۱-۱ عدم النفع..... ۶۰
- ۳-۱-۱-۲ انواع پول اعتباری..... ۶۰
- ۳-۱-۲-۱ تعریف منفعت و تقسیم بندی آن..... ۶۱
- ۳-۱-۲-۲ عرفی بودن مفهوم عدم النفع..... ۶۱
- ۳-۱-۴-۱-۱ نظر فقها درباره عدم النفع..... ۶۲
- ۳-۱-۴-۱-۲ موافقین عدم النفع..... ۶۲
- ۳-۱-۴-۱-۳ مخالفین عدم النفع..... ۶۲
- ۳-۱-۵ نظرات حقوقدانان درباره عدم النفع..... ۶۳
- ۳-۱-۵-۱ تفکیک بین منافع ممکن الحصول و محقق الحصول..... ۶۳
- ۳-۱-۵-۲ قابل وصول بودن خسارت عدم النفع و غیرقابل وصول بودن خسارت ناشی از عدم النفع..... ۶۵
- ۳-۱-۶ تفاوت عدم النفع و خسارت تأخیر تأدیه..... ۶۷
- ۳-۱-۷ عدم النفع در حقوق انگلیس..... ۶۹
- ۳-۱-۷-۱ تأثیر آگاهی..... ۷۲
- ۳-۱-۷-۲ ضابطه وقوف متعارف..... ۷۲
- ۳-۱-۸ خسارت از خسارت در حقوق انگلیس..... ۷۳
- ۳-۲ تورم و انواع تورم..... ۷۴
- ۳-۲-۱ نظر فقها درباره کاهش ارزش پول (خسارت تورم)..... ۷۵
- ۳-۲-۱-۱ مخالفین جبران کاهش ارزش پول (خسارت تورم)..... ۷۵
- ۳-۲-۱-۲ موافقین جبران کاهش ارزش پول (خسارت تورم)..... ۸۱
- ۳-۲-۱-۳ قایلان به تفصیل..... ۸۲
- ۳-۲-۲ نظر حقوقدانان در باره کاهش ارزش پول (تورم)..... ۸۲
- ۳-۲-۲-۱ مخالفین جبران کاهش ارزش پول «خسارت تورم»..... ۸۲
- ۳-۲-۲-۲ قائلین به تفصیل برای جبران کاهش ارزش پول «خسارت تورم»..... ۸۶
- ۳-۲-۲-۳ موافقین جبران کاهش ارزش پول «خسارت تورم»..... ۸۸
- ۳-۲-۳ خسارت تأخیر تأدیه در قوانین موضوعه..... ۹۲
- ۳-۲-۳-۱ تبصره ماده ۲ قانون صدور چک..... ۹۲
- ۳-۲-۳-۲ تبصره ۲ ماده ۱۰۸۲ ق.م..... ۹۳

- ۳-۳-۲-۳ بررسی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م..... ۹۷
- ۳-۲-۳ ۴ نظر قضات درباره ماده ۵۲۲ و تبصره ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی..... ۹۹
- ۳-۲-۳-۱ تمایز ماده ۵۲۲ از تبصره ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م..... ۹۹
- ۳-۲-۳-۲ تبصره ماده ۵۱۵ مصداق ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م..... ۱۰۰
- ۳-۲-۳-۳ عام بودن تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و خاص بودن ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م..... ۱۰۰
- ۳-۲-۳-۵ خسارت نقض تعهد پولی در حقوق انگلیس..... ۱۰۲
- ۳-۲-۳-۶ خسارت تأخیر تأدیه در حقوق انگلیس..... ۱۰۳
- ۳-۲-۳-۷ محاسبه بهره..... ۱۰۷
- ۳-۲-۳-۱ اشکال بهره در حقوق انگلیس..... ۱۰۸
- ۳-۲-۳-۸ بدهی و خسارت در حقوق انگلیس..... ۱۱۰
- ۳-۲-۳-۹ مبنای جبران کاهش ارزش پول (خسارت تورم)..... ۱۱۱
- ۳-۲-۳-۱-۹ تفضیل بین غصب و غیر آن..... ۱۱۲
- ۳-۲-۳-۲-۹ توجیه ضمان کاهش ارزش پول با هزینه فرصت پول..... ۱۱۲
- ۳-۲-۳-۳-۹ توجیه ضمان در کاهش ارزش پول با لاضرر..... ۱۱۳
- ۳-۲-۳-۴-۹ توجیه ضمان کاهش ارزش پول بر مبنای للاجل قسط من الثمن..... ۱۱۳
- ۳-۲-۳-۵-۹ توجیه ضمان کاهش ارزش پول با معیار قرار دادن قدرت خرید پول..... ۱۱۴
- ۳-۲-۳-۶-۹ توجیه ضمان کاهش ارزش پول با قاعده عدالت..... ۱۱۵
- ۳-۲-۳-۷-۹ توجیه ضمان کاهش ارزش پول با مراجعه به عرف..... ۱۱۷
- ۱۱۸..... فهرست منابع
- ۱۲۷..... چکیده انگلیسی

الف. مقدمه

روزانه تعهدات فراوانی بین افراد منعقد می‌شود که معمولاً یک طرف معامله در برابر عوضی که دریافت می‌کند، پول پرداخت می‌کند، مثلاً هر شخص، تعهداتی را اجرا می‌کند و کمتر به یاد می‌آورد که در برابر متعهدله چیزی غیر از پول پرداخته باشد.

قراردادهایی که موضوع آن، پول است، تعهدات پولی گفته می‌شود. در حقوق انگلیس برای ایفای تعهدات پولی اصطلاح «Performance of payment of obligation» به کار می‌رود و اصطلاح «payment»، فقط در جایی به کار می‌رود که موضوع ایفای تعهد، پول باشد و در حقوق ایران هم با توجه به مواد مختلف قانون مدنی، اصطلاح «پرداخت» برای ایفای تعهد پولی به کار برده شده است.

پول از مقوله‌های تأثیر گذار در حوزه اقتصاد و سیستم معیشتی مردم است و دگرگونی‌های سریع اقتصاد و ماهیت اعتباری پول باعث شده تا ارزش پول، پیوسته سیر نزولی داشته باشد و این روند با ورود پول کاغذی شدت بیشتری یافته است. امروزه با توجه به روند نزولی، ارزش پول در حال کاهش است و در قراردادهای بلند مدت ارزش پول به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد، طلبکارانی که طلب آن‌ها پرداخت نمی‌شود یا به موقع پرداخت نمی‌شود، با نگرانی‌هایی مواجه‌اند و تأخیر در پرداخت، قدرت خرید آن‌ها کاهش می‌دهد. بدین لحاظ پول در مباحث فقهی و حقوقی نقش مؤثری دارد. تحلیلی که از ماهیت پول در مفهوم کنونی آن می‌توان به عمل آورد، افتضا دارد که میزان رقمی پول مورد تعهد برحسب نوسان ارزش مبادلاتی پول تغییر کند. این تغییر در شرایط موجود در گذشته و در شرایط موجود تا زمان حاضر به علت افزایش سطح زندگی و سقوط پول، عبارت از افزایش مقدار پول مورد تعهد است. مثلاً اگر شخصی در ده سال پیش یک هزار ریال مدیون بوده است که همان زمان پردازد؛ ولی، آن را ادا نکرده است، در صورتی که میزان تورم صد در صد باشد، امروز مقدار دین مورد تعهد او، دو هزار ریال خواهد بود؛ زیرا، امروز بر

خلاف گذشته، پول یک امر غیر مادی و یک ارزش اعتباری است که مانند خانه، اتومبیل و فرش وجود عینی ندارد.

در حقوق انگلیس، خسارات قابل جبران متعهدله شامل خسارت تأخیر تأدیه و خسارت عدم‌المنفع و هزینه‌های اقامه دعوا است؛ اما در حقوق ایران با توجه به قوانینی که به تصویب رسیده است به نظر می‌رسد، تنها، خسارتی که متعهدله می‌تواند مطالبه کند، خسارت تورم است و نوسانات کاهش ارزش پول در تعهدات لحاظ می‌شود؛ اما، خسارت عدم‌المنفع قابل مطالبه نیست.

در تعهدات پولی مسائل مهمی از جمله ماهیت پول، طرفین و شیوه‌های تعهد پولی و ضمانت اجراهای ایفای تعهد پولی وجود دارد. در پایان نامه حاضر، سعی شده که به مباحث بالا در حقوق ایران با بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلیس پرداخته شود. فصل اول پایان نامه به کلیات و ماهیت پول اختصاص یافته، فصل دوم به شیوه‌ها و طرفین ایفای تعهد پولی و در فصل سوم، مباحث مربوط به کاهش ارزش پول «خسارت تورم»، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت عدم‌المنفع مطرح شده است.

ب. سؤال‌های اصلی تحقیق

- (۱) ماهیت پول چیست؟
- (۲) آیا در حقوق ایران و انگلیس با کاهش ارزش پول ضمان بوجود می‌آید؟
- (۲-۱) مبنای ضمان کاهش ارزش در حقوق ایران و انگلیس چیست؟
- (۲-۲) آیا جبران کاهش ارزش پول با قواعد ربا در حقوق اسلامی تعارض دارد؟
- (۳) ماهیت حقوقی خسارت مذکور در تبصره ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م چیست؟

پ. فرضیه‌های اصلی تحقیق

- (۱) پول، دارای ارزش اعتباری است و در زمره اموال مثلی و قیمی است.
- (۲) در حقوق ایران و انگلیس با کاهش ارزش پول ضمان بوجود می‌آید.
- (۲-۱) در حقوق ایران مبنای ضمان کاهش ارزش پول، عرف و در حقوق انگلیس، دارا شدن بلاجهت است.
- (۲-۲) ضمان در کاهش ارزش پول با قواعد ربا تعارض ندارد و جبران کاهش ارزش پول از مصادیق ربا نیست.
- (۳) خسارت مذکور در ماده ۵۱۵، خسارت تورم است و عدم‌المنفع نیست.

## **فصل اول**

### **تحليل واژه‌ها و مفاهيم، ماهيت پول**

## ۱-۱ تحلیل واژه‌ها و مفاهیم

شناخت مفاهیمی از قبیل ایفاء، تعهدات، پول، پرداخت که مطالب این مبحث را تشکیل می‌دهد؛ ناظر بر شناخت مفهوم ایفاء تعهدات پولی در حقوق قراردادها است و نقش کلیات را برای ورود به موضوع پایان نامه دارد. از این رو در مبحث اول، مفاهیم «ایفاء»، «تعهدات»، «پول»، «پرداخت» و «دین» و «مال» و «مال مثلی و قیمی» را مورد بحث قرار می‌دهیم. شناخت مفاهیم از حیث واژه شناسی، نقش مهمی در شناخت ماهیت ایفاء تعهدات پولی دارد، برای نیل به این موضوع، مفاهیم ذیل را معنا می‌کنیم و در مبحث دوم به ماهیت پول از جنبه‌های مختلف می‌پردازیم.

### ۱-۱-۱ ایفاء

ایفاء در لغت به معنای به عهد خود وفا کردن، به سر بردن عهد و پیمان و دوستی، ادا کردن عهد و پیمان، دادن و گزاردن حق کسی به تمام است.<sup>۱</sup> یکی از حقوقدانان، ایفاء را مساوی الفاظی چون وفاء، پرداخت، اداء دین، اجرای تعهد بوسیله متعهد یا نماینده او یا شخص ثالث می‌داند و اصطلاح تفضیلی ایفاء، ایفاء تعهد، ایفاء حق، ایفاء دین، ایفاء ذمه، ایفاء عهده است و همه این‌ها به معنای عمل کردن متعهد به تعهدش است.<sup>۲</sup> در حقوق انگلیس، ایفاء به معنای «Performance» است و عدم ایفای تعهد شامل وقتی می‌شود که کسی تعهدش را ایفا نکند یا تعهدش را ناقص انجام دهد یا به موقع انجام ندهد.<sup>۳</sup>

### ۱-۱-۲ تعهد

«تعهد» در لغت به معنای تازه کردن پیمان، شرط، عهد، پیمان و قرارداد و معاهده و نگاه داشتن چیزی است و «تعهد کردن» به معنای به گردن گرفتن چیزی، خود را ملزم به عملی یا پرداخت کردن چیزی، تضمین عهد و میثاق است.<sup>۴</sup>

«تعهد» در فرهنگ لغت انگلیس به معنای تکلیف قانونی<sup>۵</sup> و الزام به موجب سند است.<sup>۲</sup> «تعهد» در اصطلاح حقوقی، رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن یک یا چند شخص معین به موجب عقد یا شبه عقد یا

<sup>۱</sup> لغت نامه دهخدا، ج ۳، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲

<sup>۲</sup> جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۱، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، ش ۲۸۸۵، ص ۷۶۰

<sup>۳</sup> Von Bar, Christian, Non-contractual obligations, especially in the law of tort, Working paper, JUR 103 EN, 06-2000, p.9

<sup>۴</sup> لغت نامه دهخدا، پیشین، واژه تعهد

<sup>۵</sup> A legal duty

جرم یا شبه جرم و یا قانون، ملزم به دادن چیزی یا فعل یا ترک عملی به نفع شخص یا اشخاص معینی هستند. ماهیت حقوقی تعهد به منشاء آن وابسته است که آیا ضمان قهری باشد که ناشی از قانون یا عرف است؟ در این صورت، ماهیت آن تعهد، غیر قراردادی است یا این که منشاء آن عقد است که در این صورت، ماهیت آن تعهد، قراردادی خواهد بود. با مطالعه در سیستم حقوقی انگلیس هم، همین تقسیم‌بندی ماهیت حقوقی تعهد وجود دارد؛ زیرا چنانچه تعهد، ارادی باشد، مباحث مربوط به آن در ضمن حقوق قراردادهای مورد بحث قرار می‌گیرد. در حالی که تعهدات غیر قراردادی در ضمن مباحث مربوط به مسئولیت مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup>

یکی از حقوقدانان، تعهد را چنین تعریف کرده است: «اراده آدمی بستر تعهدات او است، همین قدر که آدمی تصمیم بگیرد که اراده خود را در خطوط معین به کار ببرد و آن را محدود به چارچوب خاص کند، تعهد پدید می‌آید. خواه؛ در اخلاق و آداب و رسوم باشد، خواه؛ در نظامات صنفی و خواه؛ در مسائل ادبی و خواه؛ در مسائل حقوقی و خواه؛ در مسائل دینی و مذهبی. پس تعهدات، اختصاص به علم حقوق ندارد.»<sup>۴</sup> «تعهدات»، جمع تعهد است و در اصطلاح حقوقی، عبارت است از این که شخص به موجب عقد، انجام امری یا خودداری از انجام امری را به عهده بگیرد. تعهد، غالباً، دارای جنبه‌های مالی است؛ اما در حقیقت، تعهد به امور مالی اختصاص ندارد. مانند، تعهدات غیر مالی بین زن و شوهر و...<sup>۵</sup>

تعهد دارای دو معنای مصدری و اسم مفعولی است. در معنی مصدری، تعهد، عبارت است از به عهده گرفتن انجام یا ترک عمل در برابر دیگری، خواه؛ در برابر عوض باشد یا نباشد. مانند این که کسی در برابر مالک کارخانه‌ای متعهد می‌شود که در عوض مبلغ معینی، ماشین آلات آن کارخانه را نصب کند. شخصی را که انجام یا ترک عملی را به عهده گرفته است، «متعهد» و شخصی که تعهد به سود او به عهده گرفته می‌شود، «متعهدله» می‌گویند و مورد تعهد «نصب ماشین آلات کارخانه» را اصطلاحاً «متعهدبه» می‌گویند. برای مثال، تعهد در این معنی در ماده ۲۲۱ قانون مدنی «اگر کسی تعهد اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسؤول خسارت طرف مقابل است مشروط بر این که...»، به کار رفته است.

در معنی اسم مفعولی، تعهد عبارت است از وظیفه حقوقی که قانوناً بر عهده شخص متعهد ثابت می‌شود که در صورت خودداری از انجام آن به تقاضای متعهدله و به وسیله مرجع قضایی، ملزم به انجام آن

<sup>۱</sup>. Bond by deed

<sup>۲</sup>. Garner, Bryan, A Dictionary of Modern Legal Usage, 19th, Oxford University, 2009, p.1180

<sup>۳</sup>. احمدوند، ولی الله، آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس، مصباح، ش ۵۳ مهر و آبان ۱۳۸۳، ص ۷

<sup>۴</sup>. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، پیشین، ش ۴۸۲۳، ص ۱۳۰۲

<sup>۵</sup>. صفایی، حسین، حقوق مدنی، ج ۲، نشر میزان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۴، صص ۶-۵



خواهد شد. تعهد در این معنی به وظیفه حقوقی که به اراده شخص بر عهده او قرار می‌گیرد و نیز به وظیفه‌ای که بدون اراده شخص و مستقیماً به حکم قانون ثابت می‌شود، مانند وظیفه جبران خسارت ناشی از تلف کردن مال دیگری به کار می‌رود. برای مثال؛ تعهد در این معنی در ماده ۲۲۲ و ۲۲۶ ق.م. به کار رفته است.<sup>۱</sup> به این نوع تعهد «التزام» گفته می‌شود. هرگاه، تکلیف قانونی یا قراردادی، جنبه مالی داشته باشد؛ آن را «دین» و متعهد را در این صورت، «مدیون» و طلبکار را «داین» می‌نامند. دین نیز، مانند تعهد، دو چهره دارد؛ چهره منفی آن را «دین» و جنبه مثبت آن را «حق دینی» می‌گویند.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، تعهد دارای دو جنبه منفی و مثبت است و وجود هر یک از آن دو به دیگری بستگی دارد. جهت مثبت تعهد، رقم مثبتی از دارایی طلبکار و در مقابل جهت منفی آن، رقم منفی از دارایی بدهکار است. به عبارت دیگر؛ هر گونه رابطه حقوقی، تعهد به شمار نمی‌آید و رابطه حقوقی بین دو نفر در صورتی تعهد محسوب می‌شود که به اعتبار یکی از آن دو (بدهکار)، دین و به اعتبار دیگری (طلبکار)، طلب و یا حق دینی باشد.<sup>۳</sup>

برای فهم موضوع تعهدات، لازم است متذکر شویم که از نقطه نظر حقوق مدنی، اشخاص می‌توانند دو قسم حق داشته باشند: حق مالی و حق غیر مالی.

حق مالی، آن است که اجرای آن برای انسان ایجاد نفع مالی کند، یعنی حقی که بتواند آن را به پول تقویم نماید و حقوق غیر مالی، حقوقی است که قابل تقویم به پول نبوده و مستقیماً برای انسان تولید نفع مالی نمی‌نماید. حقوق غیر مالی مربوط به اموال اشخاص است.

حقوق مالی، گاهی؛ حقوق عینی است و گاهی؛ ذمی است. حقوق عینی به اشخاص حق می‌دهد که به شیء مسلط باشد و بر عکس حقوق ذمی یا دینی به اشخاص حق می‌دهد که از شخص دیگری، دادن شیء و یا انجام و یا خودداری از انجام امری را تقاضا نمایند که تعهد از قسم اخیر حقوق ناشی می‌شود. در حقیقت تعهد نقطه مقابل حقوق عینی است که هر گاه از نقطه نظر متعهد ملاحظه گردد؛ برای او ایجاد دین کرده و هرگاه از نقطه نظر متعهدله ملاحظه شود، برای او ایجاد حق یا طلبی می‌نماید.<sup>۴</sup> در نظام حقوق رومی - ژرمنی، تعهد، تکلیف شخص مدیون است به انجام دادن یا ندادن چیزی به سود شخص دیگری که دائن به شمار می‌آید.<sup>۵</sup>

در قانون مدنی ایران، تعهد در دو معنای اعم و اخص اطلاق می‌شود. در معنای عام، تعهد، به الزامات خارج از قرارداد نیز، اطلاق می‌شود. با ملاحظه کلمه «تعهدات» در فصل سقوط تعهدات قانون مدنی به نظر می‌رسد، تعهد در برگیرنده تعهد قراردادی و غیر قراردادی باشد. این حالت مترادف با معنای «Obligation»

۱. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۲، انتشارات مجد، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۲

۲. قاسم زاده، مرتضی، اصول قراردادها و تعهدات نظری و کاربردی، نشر دادگستر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵

۳. امیری قائم مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۱، نشر میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۰

۴. عدل، مصطفی، حقوق مدنی، انتشارات بحر العلوم، چاپ اول، قزوین، ۱۳۱۳، ص ۱۰۹

۵. رنه داوید، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه آشوری، محمد و دیگران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ص ۷۹

است.<sup>۱</sup> «عهد» در عنوان سرفصل ماده ۲۶۵ ق.م.عام است، یعنی؛ شامل تعهدات ناشی از عقود و خارج از عقود است. مواد ۲۶۵ تا ۲۸۲ ق.م.هم، گواه این نظر است؛ ولی برخی از این مواد مانند ماده ۲۶۸، ۲۷۹ و ۲۸۰ ق.م.اختصاص به تعهدات ناشی از عقود دارد.<sup>۲</sup>

در بیان فقها، معادل کلمه «تعهد»، «التزام» است و در کشورهای عربی نیز، از «التزام» به جای «تعهد» استفاده شده است.<sup>۳</sup> سنهوری در تعریف تعهد گفته است: «موضوع تعهد، شیء مستحق یا شیء معین بذات است و یا شیء غیر معینی که تنها نوعش معلوم است و یا از جمله نقود است و یا عمل و یا امتناع از عمل» و منظور از واژه نقود، همان وجه نقد و یا پول است.<sup>۴</sup>

### ۱-۱-۳ دین

در تعریف دین می‌توان گفت که تعهدی که بر ذمه شخصی به نفع کسی وجود دارد از حیث انتساب آن به بستانکار، طلب نامیده می‌شود و از حیث نسبتی که با بدهکار دارد، دین نام دارد. به عبارت دیگر، دین تعهدی است که موضوع آن پرداخت مبلغی وجه باشد. در این معنی، دین بر بدهی مالیاتی نیز، صادق است. «دین» و «تعهد» دارای یک ارتباط متقابل و تنگاتنگ هستند و این امر ناشی از وسعت و گستردگی نظریه تعهدات در حقوق ما و مکتب فقه امامیه می‌باشد به طوری که گفته شده است «هر عقدی یک نوع تعهد را در بر دارد» و یا «مضمون هر عقدی یک تعهد است». در نتیجه باید گفت هر کجا حق دینی برای شخصی وجود داشته باشد، برای طرف دیگر الزاماً تعهدی وجود دارد. بنابراین، حق دینی و تعهد، همان رابطه دائن و مدیون است، به عبارت دیگر، تعهد، جنبه منفی رابطه حقوقی و حق دینی، جنبه مثبت آن است.<sup>۵</sup> در اصطلاح حقوقی «دین» غالباً به معنای «تعهد» به کار می‌رود و واژه تعهد، اصطلاح شناخته شده‌ای است که برای همه اقسام حقوق دینی به کار می‌رود و کلمه تعهد در حقوق کنونی دو معنا دارد، یکی، معنای عام که شامل تمام حقوق دینی است و دیگری، معنای خاص که ناظر به دیون ناشی از عقد است و در برابر واژه الزام خارج از قرارداد قرار می‌گیرد.<sup>۶</sup>

۱. قاسمی، عباس، ربای قرضی و معاوضی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۰، ص ۸

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشای قانون مدنی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۲۲

۳. سنهوری، عبدالزاق، انتقال و سقوط تعهد، ج ۴، مرکز ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۶۶

۴. همان، ص ۲۵۲

۵. توکلی کرمانی، سعید، انتقال تعهد، انتشارات دانشور، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰

۶. تفرشی، عیسی و دیگران، وضعیت حقوقی تعهدات قراردادی مؤجل متوفی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۸۴-۱۸۳، ۱۳۸۱، ص ۱۹۶

## ۱-۱-۴-۱ پول در اقتصاد

ارائه تعریفی کامل و جامع و مانع از پول دشوار است و به همین دلیل آ-پ- آندرو در سال ۱۸۹۹ در مقاله‌ای موسوم به «چیزی که باید پول نامیده شود»، این جمله را بیان می‌کند: «نکته مهم و حیرت آور این است که گرچه پول، پدیده‌ای اقتصادی است که توجه متفکرانه بشر را به خود جلب کرده است و از آن موقع مرکز ثقل بررسی‌های اقتصادی بوده است؛ اما در حال حاضر حتی توافقی تقریبی نیز در مورد تعریف این کلمه وجود ندارد، دنیای کار و تجارت، پول را در چندین شکل مورد استفاده قرار می‌دهد؛ اما در بین اقتصاددانان تقریباً به تعداد نویسندگانی که در مورد پول می‌نویسند، مفاهیم مختلف درباره آن وجود دارد».<sup>۱</sup>

در ادبیات اقتصادی، چهار نوع تعریف از پول وجود دارد. تعاریف چهارگانه عبارت‌اند از:

۱- تعریف قانونی پول

۲- تعریف پول با اتکا به وظایف آن

۳- تعریف پول با اتکا به مصادیق آن

۴- تعریف پول با معیار مقبولیت عام، برای وسیله مبادله شدن

در تعریف قانونی پول، آن چیزی شمرده می‌شود که قانون، آن را به عنوان پول معرفی کرده باشد و طلبکار نتواند از گرفتن بدهی خود به صورت این وسیله سرباز زند.

در تعریف پول با اتکا به وظایف آن، هر چیزی که بتواند وظایف وسیله مبادله، ارزش استاندارد (معیار سنجش ارزش) و وسیله ذخیره ارزش بودن را انجام دهد، «پول» نامیده می‌شود.

در تعریف پول با اتکا به مصادیق آن، هر آن چیزی که قدرت ابراء داشته باشد و در عمل نقش واسطه مبادلات را ایفا کند، پول شمرده شده است. معیار «درجه نقدینگی» نیز، پول را از شبه پول متمایز می‌سازد. هر چند در گذر زمان، مصادیق پول و شبه پول در حال تحول و تکامل بوده است.

در تعریف پول با معیار مقبولیت عام، هر آن چیزی که برای وسیله مبادله شدن توسط عموم پذیرفته شده باشد، پول نامیده می‌شود.<sup>۲</sup>

اقتصاددانان با توجه به ماهیت و نقش پول، چندین تعریف از آن کرده‌اند که چند نمونه از آن‌ها را ذکر می‌کنیم. بعضی پول را به وظایف آن تعریف کرده‌اند: جان هیکس: «پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش باشد».

ژان مارشال می‌نویسد: «پول وسیله مبادله و ذخیره ارزش‌های اقتصادی است».

۱. آ-پ- آندرو به نقل از بیضایی، ابراهیم، پول، ارز، بانکداری و سیاست‌های پولی، انتشارات نور علم، چاپ اول، همدان، ۱۳۸۵، ص ۱۰

۲. رحیمی بروجردی، علیرضا، سیاست‌های پولی ۲، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴، صص ۱۳۰-۱۲۹

به نظر می‌رسد، وجه مشترک و تعریف ساده تمامی انواع پول چنین باشد: «پول، واحد ارزش و رایج‌ترین وسیله داد و ستد و وسیله پرداخت است».<sup>۱</sup>

## ۱-۱-۴-۲ پول در متون فقهی و حقوقی

پول در لغت به قطعه‌ای از طلا، نقره، مس یا فلز که از طرف دولت زده می‌شود، اسکناس به پولی که در میان مردم رواج دارد و مورد قبول همه است، معنا شده است.<sup>۲</sup> پول در اصل کلمه‌ای یونانی است که از واژه لاتین «پکوس» (Pecus) به معنای «گله» گرفته شده است؛ اما در گذر زمان بر تمامی ابزارهای عمومی سنجش کالاها با ارزش‌های چندگانه و نوع‌های چندگانه مانند فلزی، کاغذی و ... «پول»، نام گذارده شده است. شاید، کلمه «پول» و «پکوس» با «مال» در زبان عربی و شرعی برابری کند؛ زیرا در زبان دینی، «مال» بیشتر در مورد گله گوسفند، شتر و مانند آن به کار می‌رود و در مورد پول فلزی نیز، به کار رفته است. برای نمونه در آیه «خذ من اموالهم صدقه»، کلمه «اموال» به شتر، گاو، گوسفند، جو، گندم، درهم، دینار و مانند آن‌ها گفته می‌شود.<sup>۳</sup> در نظام فقهی - حقوقی اسلام به ویژه در بخش معاملات که بر مبنای تأیید و امضای معاملات عرفی و رایج شکل گرفته با عنوان‌های متنوع و مشابه با مفهوم پول در لابه‌لای ابوابی چون بیع، قرض، مضاربه، اجاره، لقطه و ... از احکام فقهی سخن رفته است. بدیهی است که پول به شکل امروزی و مباحث

وابسته به آن همچون تورم، پدیده‌ای نو هستند که در متون فقهی قدیم به آن پرداخته نشده است. بنابراین، جست‌وجوی احکام مربوط به پول در فقه اسلامی با ملاحظه سیر تاریخی پیدایش و نیز تطور نقش و جایگاه آن در معاملات میسر خواهد بود. اصطلاح «نقد» که نزدیک‌ترین و مشابه‌ترین واژه برای پول به شمار می‌آید، هرگاه در متون فقهی به صیغه تشبیه به کار رود، غالباً به معنای طلا و نقره است. مثلاً «زکات نقدین» یعنی زکات طلا و نقره؛ اما، چنانچه در صیغه مفرد به صورت جمع استعمال شود، معمولاً به معنای عوضی است که برای خرید کالا تعیین می‌شود و نقد بلد که در بعضی مواضع مختلف از کتب فقهی به کار رفته است به معنای پول رایج محلی است که معامله در آن جا صورت می‌گیرد.<sup>۴</sup>

یکی از حقوقدانان در تعریف پول می‌گوید: «وجه نقد عبارت است از پولی که در کشور رواج قانونی دارد، خواه؛ مسکوک باشد یا اسکناس، آنچه رواج ندارد، پول طلای پهلوی و اشرفی و پنج‌هزاری و یا

<sup>۱</sup> احمدوند، معروفعلی، مروری بر ماهیت شناسی پول و دیدگاه فقیهان، مجله فقه، ش ۳۶، تابستان ۱۳۸۲، ص ۷۹

<sup>۲</sup> لغت نامه دهخدا، پیشین، واژه پول

<sup>۳</sup> طاهری، حبیب‌الله، ضمان کاهش ارزش پول از دیدگاه فقه و حقوق، مجتمع آموزش عالی قم، ش ۱۱، ۱۳۸۰، ص ۸۶

<sup>۴</sup> مصباحی، غلامرضا، جنبه‌های فقهی پول، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۱۳، ۱۳۸۵، ص ۲۵